

## آینده صنعت احداث با توجه به رویدادهای اخیر

دکتر محمود جامساز، اقتصاددان

در این بخش از میزگرد دکتر جامساز ضمن بیان ارزیابی خود از علل و کم و کیف و ماهیت اعتراضات چند ماه گذشته در کشور گفت: اعتراضات اخیر به یکباره ظاهر نشد، بلکه معطوف به عوامل بنیادینی است که طی سال‌ها ریشه دوانده‌اند. چهار دهه مطالبات انباشته و فروخورده اقتصادی و اجتماعی معلمان، دانشجویان، دانش‌آموزان، زنان، کارگران، کارمندان، کشاورزان، کامیونداران و سایر اقشار ضعیف و نابرخوردار جامعه که در مقاطع مختلف به طور جداگانه و به شیوه اعتراضات خیابانی مسالمت‌آمیز و اعتصابات مقطعی شکل گرفت، اما با برخورد قهرآمیز مسوولان بی‌پاسخ ماند، به تدریج به خشمی بدل شد که در زیر پوست جغرافیای بزرگ کشور ابعاد وسیعتری یافت و به مثابه انبار باروتی با جرقه قتل مهسا منفجر شد و دولت را در برابر چالش بزرگ التهابات و ناآرامی‌های رو به گسترشی قرار داد که تا کنون برغم ادعای برقراری آرامش، قادر به حل آن نبوده، زیرا اعتراضات از سطح مطالبات اقتصادی اصناف و اقشار جامعه فراتر رفته و بعد سیاسی به خود گرفته‌است، بویژه آنکه پژواک این اعتراضات و شیوه برخورد با آن با حمایت بی‌سابقه ایرانیان مقیم اروپا و آمریکا از طریق برگزاری کمپین‌های متعدد در جهان غرب پرتین شده و اجماع جهان غرب را علیه جمهوری اسلامی برانگیخته و بر شدت تنش‌های مناسبات ایران و غرب افزوده و شرایط سیاسی و اقتصادی را بر جمهوری اسلامی سخت‌تر نموده‌است.

وی همچنین گفت: متأسفانه عملکرد تهاجمی مسوولان، رشته اعتماد میان ملت- دولت را گسسته و آنان با وعده‌های توخالی و سیاست‌های خلق- الساعه تپی از پشتوانه خرد و اندیشه، برای فرونشاندن ناآرامی‌ها تلاش می‌کنند و با عدم درک واقعیات بر این باورند که التهابات مهار شده، اما از خود نمی‌پرسند که به کدامیک از مطالبات جامعه پاسخ داده شده تا جامعه آرام گیرد؟ مگر از ابتدای آبان گذشته تا کنون اقتصاد و معیشت مردم بسامان شده یا جامعه، بویژه اقشار متوسط و پایین‌تر، گشایشی در روزمرگی اقتصادی خویش احساس کرده‌اند؟ مگر ریسمان اعتماد میان ملت- دولت گره خورده که بهم نزدیکتر شوند؟ برعکس پول ملی در برابر دلار حدود ۸۰ درصد ارزش خود را از دست داده و تأمین نیازهای مبرم جامعه که اهم آن معیشت است- حداقل در مورد ۳۰ درصد آحاد جامعه- در حد سد جوع تنزل یافته‌است.

دکتر جامساز بازگرداندن اعتماد عمومی از دست‌رفته را یکی از چالش‌های عمده حکومت دانست و گفت: بزرگترین سرمایه اجتماعی یک حکمرانی خوب، اعتماد دوسویه بین مردم و حکمرانی است. با زایل شدن اعتماد اجتماعی، پایه‌های حکمرانی متزلزل می‌شود، اما به نظر می‌رسد که مسوولان جمهوری اسلامی تلاشی در جهت بازگرداندن اعتماد اجتماعی نمی‌کنند. با افزایش میانگین ۲۰ درصدی به حقوق و دستمزدها در حالی که اقتصاد کشور در آستانه ورود به کانال ابرتورم است، بی‌ثباتی اقتصادی، پولی و ارزی، استمرار تنزل ارزش پول ملی، فروش اموال ملی تحت هر قانون و مقررات و عنوانی، مذاکرات و توافقات غیرشفاف با هر کشوری، درگیر شدن در جنگی که جز اتلاف منابع ملی و تنش‌افزایی در جهان نتیجه‌ای ندارد، افزایش روزافزون نقدینگی و تورم و فقر و هر عامل دیگری که دافع اعتماد عمومی است، نشان می‌دهد که مسوولان کشور نسبت به مقوله ارزشمند اعتماد اجتماعی بی‌تفاوتند.

وی در ادامه افزود: اعتراضات اخیر، دقیقاً از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولتی‌هایی نشأت گرفته که در چهارچوب یک مجموعه بی‌نظم اقتصادی سیاسی رانتی نفتی ایدئولوژیک عمل کرده‌اند. مجموعه بی‌نظم، به مفهوم فقدان نظام و سیستم است. سیستم از نظمی درونی برخوردار است، به نحوی که تمام متغیرهای درون سیستمی بر مدار نظم و قاعده عمل می‌کنند و ارتباطی منطقی و مستحکم میان اجزا و ارکان آن برقرار است، ولی در یک مجموعه اقتصادی فاقد سیستم که دولت سکندار اقتصاد است، مقامات دولتی به جای بازار تعیین می‌کنند که چه کالایی تولید شود، با چه قیمتی به فروش برسد و شیوه سرمایه‌گذاری و مقدار سود را مشخص می‌کنند. این اقتصاد دستوری یا برنامه‌ای است و متغیرهای اقتصادی از هماهنگی و نظم درونی برخوردار نیستند. مقررات و دستورالعمل‌ها و طرح‌ها، توسط دولت تعیین می‌شوند و اقتصاد از آن پیروی می‌کند، اما قادر نیست نسبت به تأثیرات بازار آزاد مقاومت کند. یکی از مصادیق مجموعه اقتصادی فاقد سیستم با سکنداری دولت، جهش نرخ دلار است که مقامات بانک مرکزی را به تصمیم‌گیری‌های عجولانه با ماهیتی کوتاه‌مدت و بی‌نتیجه وادار ساخته‌است. این تصمیمات که بدون درک واقعیات جامعه اتخاذ می‌شوند، با پیامدهایی که توزیع رانت یکی از آنهاست، زیان‌های جبران‌ناپذیری را به اقتصاد کشور وارد می‌کنند. همانند بارز اقتصاد برنامه‌ای یا دستوری، اقتصاد شکست‌خورده کمونیستی است که با

مفاهیم توسعه‌ای بیگانه‌اند، زیرا همانطور که جیمز بوکانان، واضع نظریه انتخاب عمومی توصیف کرده، آنان می‌توانند از طریق تصمیم‌گیری به نفع خود خسارات بزرگی را بر جامعه تحمیل کنند، یا با تصمیمات آبی بازار و قیمت‌ها را بهم بریزند. به عنوان مثال، رییس کل جدید بانک مرکزی در همان روزی که منصوب شد، قیمت دلار را ۲۸۵۰۰ تومان برای واردات کلیه اقلام اعلام کرد و با این کار نشان داد که سیاست‌های مبتنی بر دخالت در بازار است نه بر تبیین یک برنامه بلندمدت با ابتنای بر موازین علمی، بلکه تاکتیک‌های موقتی کوتاه مدتی را پی گرفته‌است که جز تشدید بی‌نظمی در بازار ارز، نتیجه‌ای دربر نداشته. لذا مجموعه اقتصاد جمهوری اسلامی بیگانه با اصول علمی و الزامات علم اقتصاد تحت تأثیر تصمیمات آمرانه سیاسی شکل گرفته، یعنی در واقع، سیاست است که مسیر و جهت حرکت اقتصاد را مشخص می‌کند و به بیانی دیگر، اقتصاد پشتیبان و پیرو اهداف ایدئولوژیک سیاسی است و اولویت‌ها در تخصیص منابع در راستای تحقق آن اهداف، به بهای افزایش نقدینگی و تورم و فقر مردم تعیین می‌شوند. این در حالیست که کشور ما در ردیف هفتمین کشور ثروتمند جهان قرار دارد و با کشف میادین چالوس یک و دو که بر اساس آخرین تخمین‌ها، یک چهارم ذخایر گاز جهان را در خود جای داده، به لحاظ مجموع ذخایر نفت و گاز جهان در مقام اول قرار دارد. لذا از آنجایی که سیاست‌گذاری‌های اقتصاد دستوری سیاسی بیش از ۳۰ میلیون نفر را به زیر خط فقر سوق داده، بسیار قابل تأمل و نیازمند شناخت‌شناسانه علمی اقتصادی و اجتماعی است، زیرا کشور از ظرفیت‌هایی برخوردار است که اهمیت آن بر سیاست‌گذاران مغفول مانده و یا از منظر آنان از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

دکتر جامساز در ادامه سخنان خود نیروی انسانی مستعد و باهوش را یکی از ظرفیت‌های مغفول کشور ذکر کرد و اظهار داشت که بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، متوسط بهره هوشی ایرانیان بالاتر از متوسط ضریب هوشی سایر کشورهای منطقه است و به همین علت، در هر کشوری که بستر بروز استعدادها فراهم بوده، ایرانی‌ها در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بسیار موفق عمل کرده‌اند. چنانچه در حال حاضر، رییس پارلمان سوئد، یعنی دومین شخص پس از پادشاه، یک مهاجر ایرانی است و چند تن از نمایندگان پارلمان کشورهای اروپایی هم از مهاجران ایرانی و یا ایرانی‌تبار هستند. همچنین ایرانیان در آمریکا به مقامات سیاسی نظیر شهردار، معاونت فرماندار و سناتور برگزیده شده‌اند. علاوه بر اینها، بسیاری از ایرانیان در کشورهای پیشرفته در مقام‌هایی مانند رییس و استاد دانشگاه، پزشک و وکیل دادگستری و مقام قضایی و پژوهشگر علمی، خوش درخشیده‌اند. نزدیک ۷۰ تا ۸۰ نفر ایرانی در ناسا فعالند و آمار منتشره در روزنامه Space حاکی است که ۴۳ درصد از کادر پژوهشی ناسا از پژوهشگران ایرانی هستند. با این وصف، چون راه برای فعالیت چنین نیروی انسانی توانمندی در داخل کشور باز نیست، اکثراً در جستجوی آینده‌ای مطمئن برای خود و خانواده‌شان در سودای مهاجرت هستند. با چنین وضعیتی، چگونه می‌توان انتظار داشت که کشور پیشرفت کند؟ بدیهی است که یک کشور توسعه‌گرا که به نیروهای متخصص و خردورز، اندیشمند و آگاه به عنوان سرمایه‌های ارزشمند انسانی می‌نگرد، قطعاً جاذب چنین ارزش‌هایی است و شایسته‌سالاری، به عنوان معیار استخدام و انتخاب و انتصاب برای تصدی هر پست و مقامی، اعم از دولتی و غیردولتی قرار می‌گیرد و بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانش‌بنیان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی، تأمین منافع ملی را میسر و دستیابی به توسعه پایدار را امکانپذیر می‌سازد.

این اقتصاددان سپس جوانی جمعیت را یکی دیگر از امتیازات مهم کشور دانست و گفت: بر اساس آمار موجود، اینک جمعیت کشور به حدود ۸۶ میلیون نفر رسیده که از این تعداد فقط ۱۴ درصد متولدان قبل از سال ۵۷ هستند. به بیانی دیگر، سن ۸۶ درصد از نفوس کشور کمتر از ۴۴ سال است، نیمی از این جمعیت را هم زنان تشکیل می‌دهند. چنین ترکیب جوانی از جمعیت، ایده‌آل کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است. آنان به چنین ترکیبی از جمعیت غبطه می‌خورند، اما متأسفانه در کشور ما، به سبب وجود تبعیض سنتی نشأت‌گرفته از باورهای ایدئولوژیک، نرخ مشارکت مردان پنج برابر زنان است و نرخ بیکاری زنان نیز ۱۶ درصد و مردان ۹/۷ درصد گزارش شده که این نرخ در مورد جوانان بین ۱۸ تا ۳۵ سال به ترتیب، برای مردان ۸/۱۳ درصد و برای زنان ۳/۳۸ درصد است. این درحالیست که درصد رشد زنان دانش‌آموخته در سطح دانشگاه، بیش از مردان بوده و بر اساس آخرین آمار رسمی از تعداد دو میلیون و ۱۰۴ هزار نفر دانشجوی، تعداد یک میلیون و ۴۱۰۰۰ نفر پسر و یک میلیون و ۶۶۳۰۰ نفر دختر گزارش شده‌است. رفع تبعیض جنسیتی و حقوقی در مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی از زنان، یکی از مطالبات فروخته‌شده آنان است که بی‌پاسخ مانده، اما نکته بسیار قابل تأمل آنست که ۸۶ درصد متولدان پس از انقلاب و حدود چهار درصد از متولدانی که در سال ۵۷ وارد دبستان شده‌اند، یعنی ۹۰ درصد جمعیت کنونی، تحت آموزه‌های سنگین ایدئولوژیک نظام بوده‌اند و همان‌ها هستند که ارزش‌های نظام را به چالش کشیده‌اند. این جمعیت جوان با دسترسی به اینترنت که محل انفجار اطلاعات است، از آموزه‌های کلاسیک نظام اسلامی فراتر رفته و با اشراف بر کارایی‌های اپلیکیشن‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی، آنچنان به منابع اطلاعات جهانی متصل شده‌اند و بر سطح دانش و آگاهی خود افزوده‌اند و بر دانش و بینش والدین خود تأثیر گذاشته‌اند که به‌راستی مایه حیرت است. اینان بسیار متفاوت از نسل انقلابی ۵۷ هستند که نسبت به مسایل پیرامونی از دانش و آگاهی کمی برخوردار بودند.

## حامی پروری به جای شایسته‌سالاری

دکتر جامساز در ادامه حامی‌پروری به جای شایسته‌سالاری را موجب افزایش ناراضی‌ت در میان جوانان و تشدید پدیده فرار مغزها ذکر کرد و گفت: حکومت‌های توتالیتر معمولاً در اقتصاد دست‌کاری می‌کنند و با توزیع و تقسیم رانت،حصاری از افراد خاص به دور خود می‌کشند تا اگر جمعیتی بخواهد حرکتی بکند، جلوی آن بایستند و امنیت حکومت را تأمین کنند. از این رو، موسساتی مانند دانشگاه فرهنگیان را ایجاد می‌کنند که رتبه‌های بیست هزار و چهل هزار را قبول می‌کند و از بدو ورود به دانشگاه به آنها حقوق می‌دهند و شغلشان هم در آینده مشخص است! ولی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف و امیرکبیر که نخبگان کشور هستند، راهی برای ورود به خدمات دولتی ندارند و بنابراین، مجبور به مهاجرت می‌شوند و به همین دلیل، فرار مغزها بسیار وحشتناک شده‌است.

## فرار سرمایه

این اقتصاددان سپس فرار سرمایه را محصول عملکرد اقتصادی فاجعه‌بار دولت، به ویژه در دهه ۹۰ دانست و اظهار داشت که مطابق اعلام بانک جهانی، در دهه گذشته، ۲۱۳/۴ میلیارد دلار از ایران خارج شده و در مقابل، فقط چهار میلیارد دلار وارد کشور شده‌است، یعنی حساب سرمایه ما منفی است. در طول دهه ۹۰ که ننگین‌ترین دهه اقتصاد ماست، میانگین رشد اقتصادی کشور صفر، بهره‌وری منفی و نرخ سرمایه ثابت ۵/۶- شده و جالب اینکه درآمد سرانه افراد در آخر دهه ۹۰، یک‌سوم ابتدای این دهه است و این، یک فاجعه است و تصور نمی‌کنم که پس از این، اقتصاد کشور بسامان بشود.

دکتر جامساز سپس با اشاره به عدم تحقق اهداف برنامه ششم توسعه گفت: به نظر من، حدود ۷۰ درصد اهداف برنامه ششم توسعه محقق نشده‌است، مثلاً هدف رشد اقتصادی برنامه ششم هشت درصد بوده که شده منفی یک و یا بهره‌وری ۸/۲ شده ۱/۰۴-، رشد سرمایه‌گذاری ۲۱ درصد بوده، شده چهار درصد و تورم که نه درصد بوده، شده ۳۷ درصد. شما وقتی می‌بینید که عملکرد با اهداف برنامه تا این حد زاویه دارد، مشخص است که اینجا یک چیز لنگ می‌زند. یک چیزهایی با همدیگر ناسازگاری دارند. عدم تحقق برنامه‌های توسعه همه پاسخ دارد. علتش این است که ضوابط رعایت نمی‌شوند و به جای آن، روابطی حاکم است که اهداف برنامه‌ها را به منافع شخصی و گروهی نزدیک می‌کند.

این اقتصاددان تورم مستمر و فزاینده را از جمله علل مهم ناآرامی‌های اخیر در کشور دانست و گفت: به قول ویلیام رایبسون، هر افزایش قیمتی تورم نیست، تورم دو خصیصه دارد: بی‌ثباتی و بی‌رویه‌گی و استمرار. بنابراین، با وجود تورم مستمر و فزاینده که بنا بر اذعان خود دولت در پایان سال ۱۴۰۰، معادل ۴۰/۲ درصد بوده، در حالی که من فکر می‌کنم بیش از ۵۰ درصد است، در مقابل، فقط ۲۰ درصد به دستمزدها اضافه شده‌است. به این ترتیب، بسیاری از اقلام مصرفی از سبد خانوارها حذف می‌شود و علاوه بر آن، خانوارها نمی‌توانند نیازهای فرزندانشان را برآورده کنند. درآمد سرانه ما فاجعه‌بار شده‌است. جوان‌ها می‌بینند که حکومت میلیاردها دلار صرف پروژه انرژی هسته‌ای کرده که نتیجه‌ای هم نداشته، در صورتی که کشورهای کوچک حوزه خلیج فارس، درآمدهای خود را صرف توسعه زیربناها و بالابردن سطح زندگی و رفاه افراد جامعه کرده‌اند. در حال حاضر، درآمد سرانه قطر که از خوزستان کوچکتر است، ۶۲۵۰۰ دلار، امارات متحده عربی بیش از ۳۵۰۰۰ دلار، کویت بیش از ۲۵۰۰۰ دلار و کره جنوبی ۳۰۰۰۰ دلار بوده و در مقابل، درآمد سرانه کشور ما با اینهمه ثروت، ۲۷۵۰ دلار است. خوب، جوان‌ها از طریق اینترنت به این اطلاعات دسترسی دارند و طبعاً سطح زندگی خودشان را با کشورهای دیگر مقایسه می‌کنند و می‌پرسند که چرا در چنین وضعیتی هستیم؟ و وقتی که جوابی نمی‌شنوند، علیه وضع موجود اعتراض می‌کنند.

## نقش مخرب شرکتهای دولتی در اقتصاد کشور

دکتر جامساز در فراز دیگری از سخنانش شرکتهای دولتی را یکی از مهمترین عوامل نابودی اقتصاد کشور دانست و گفت: در حال حاضر، ۴۵۰ شرکت دولتی در کشور هست و از این تعداد، ۳۷۰ شرکت در بودجه ردیف دارند و در حالی که حدود ۳۰ شرکت از این مجموعه اساساً زیان‌ده هستند و مجموع زیان آنها در سال ۱۴۰۰، معادل ۳۷ هزار میلیارد تومان بوده، در بودجه سال ۱۴۰۲، پیش‌بینی شده که از محل سود این شرکت‌ها، مبلغ ۱۸۰ هزار میلیارد تومان به عنوان درآمد اختصاصی دولت واریز شود! بدیهی است که این پیش‌بینی محقق نخواهد شد.

وی در ادامه افزود: رد پای شرکتهای دولتی در تضعیف بخش خصوصی کاملاً مشهود است و این شرکت‌ها واقعاً بخش خصوصی را می‌خورند، ضمن اینکه این تهدید فقط متوجه صنعت احداث نیست، بلکه همه صنایع را به سمت تلاشی می‌برد، یعنی گروه‌های مافیایی با استفاده از نفوذشان در حاکمیت و در جستجوی منافع خود، وارد هر پروژه‌ای می‌شوند و فسادها و اختلاس‌های بزرگی را مرتکب می‌شوند، چنانکه مجموع هفت اختلاس دولتی، رقمی معادل ۴۷۸ هزار میلیارد تومان است. وی در ادامه افزود: فساد اساساً سه مشخصه و سه بستر عمده دارد که عبارتند از: اقتصاد دولتی، قوه قضاییه غیرمستقل و رسانه‌های غیرمستقل که واقعیات را منتشر نمی‌کنند. به قول آبراهام لینکلن، تعدادی از افراد جامعه را می‌توان برای مدتی فریب داد، عده زیادی را هم می‌توان برای مدت زیادی فریب داد، ولی نمی‌توان همه را برای همیشه فریب داد. بالاخره، خورشید حقیقت از پشت ابر بیرون می‌آید و خودش را نشان می‌دهد. خوب، جوان‌ها خبر این فسادها را می‌شنوند و طبعاً به آن واکنش نشان می‌دهند.

## افق تیره اقتصاد ایران

دکتر محمود جامساز نیز در مورد نقش بخش خصوصی در تحولات اجتماعی اظهار داشت که بخش خصوصی به عنوان جزیی از جامعه و مردم ایران، قطعاً در رویدادها و تحولات اجتماعی تأثیرگذار است.

این اقتصاددان سپس به واکاوی علل تحقق ناپذیری درآمدهای دولت در بودجه ۱۴۰۲ پرداخت و گفت: هدف نهایی بودجه‌های متعارف، ایجاد اشتغال، افزایش رشد اقتصادی، کاهش تورم و حفظ ارزش پول ملی است، اما بودجه ما غیرمتعارف است. در بودجه‌های غیرمتعارف یکسری هزینه‌هایی وجود دارند برای نهادهایی که اساساً بودجه‌ای نیستند، بلکه تنها به دلیل داشتن قدرت رانتی، در ردیف بودجه قرار می‌گیرند و در بودجه سال ۱۴۰۲ هم اعتبارات این نهادها که اغلب تبلیغاتی هستند، حدود ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده، در حالی که بودجه آموزش و پرورش ۲۰ درصد هم اضافه نشده است. بعد هم برای ایجاد محل درآمدی برای این نوع هزینه‌ها، درآمدهای موهوم ایجاد می‌کنند، مثلاً میزان فروش نفت در بودجه ۱۴۰۲، روزانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه پیش‌بینی شده، در صوتی که در حال حاضر، توان صادرات نفت ما بیش از ۵۰۰ هزار بشکه در روز نیست. به عبارت دیگر، اگر تولید نفت ایران به میزان قبل از خروج ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ برسد، یعنی به سه میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز برسیم، آن وقت می‌توانیم روزانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت صادر کنیم، ولی با وجود تحریم‌ها و ناکارآمدی سیاست‌ها در داخل، این امکان وجود ندارد. علاوه بر این، یأس آمریکا و اتحادیه اروپا از احیای برجام و وقوع رویدادهای اخیر کشور که با موجی از حمایت جهانی روبرو شد و تصاحب بخشی از بازار صادرات نفت ایران به پاکستان، هند و چین توسط روسیه به دنبال تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور متعاقب جنگ، بر محدودیت‌های صادرات نفت ایران افزوده است و بنا به این ملاحظات، باید در مورد امکان صادرات روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت در سال ۱۴۰۲ هم شک بکنیم.

دکتر جامساز سپس در مورد درآمدهای مالیاتی بودجه سال گفت: درآمد مالیاتی بودجه ۱۴۰۲، معادل ۸۳۸ تریلیون تومان پیش‌بینی شده که ۴۶ درصد نسبت به سال قبل بیشتر است. مالیات مستقیم در قالب ارزش افزوده از مصرف‌کننده گرفته می‌شود و مالیات غیرمستقیم از مؤدیانی گرفته می‌شود که همه تحت فشارهای اقتصادی و تورم، خرد شده‌اند و از بین رفته‌اند، یعنی پیمانکاران بزرگ و کارخانه‌داران که همه مشکل دارند و گرفتن مالیات از اینها، باعث تضعیف بیشترشان می‌شود و تولید ناخالص داخلی هم بیش از پیش افت می‌کند، اما دولت حاضر نیست طیف مودیان مالیاتی را گسترش بدهد و از نهادهای پر قدرت و ثروتمند که هزاران میلیارد تومان گردش مالی دارند، مالیات بگیرد، ضمن اینکه بنا به گفته رییس جمهور، بین ۱۴۰ تا ۱۸۰ هزار میلیارد تومان هم فرار مالیاتی وجود دارد. با چنین شرایطی، طبعاً درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده محقق نخواهند شد و این امر هم بر کسری بودجه اضافه خواهد شد.

این اقتصاددان سپس در مورد مکانیسم‌های تأمین کسر بودجه گفت: کسری بودجه یا باید از طریق عملیات بازار باز تأمین بشود، یا از طریق استقراض از مردم، یعنی چاپ اوراق مالی که مردم از آن استقبال نمی‌کنند و یا اینکه باید دست به دامان بانک مرکزی بشوند برای چاپ پول پر قدرت و وارد کردن آن به چرخه اقتصادی و این بدان معناست که بدهی خالص دولت به بانک مرکزی بالا می‌رود، پایه پولی افزایش می‌یابد و نهایتاً منجر به افزایش نقدینگی و تورم می‌شود. وی میزان نقدینگی در شش ماه اول سال ۱۴۰۱ را ۵۶۰۰ هزار میلیارد تومان ذکر کرد و در ادامه افزود: از ابتدای ۱۴۰۱ تا پایان شهریورماه همین سال، ۱۴۰ هزار میلیارد تومان به نقدینگی اضافه شده است، یعنی روزی ۴۶۶۶ میلیارد تومان! ضمن اینکه با افزایش نقدینگی، فرم نقدینگی هم عوض می‌شود، یعنی نسبت پول به شبه پول بیشتر می‌شود. وی در ادامه توضیح داد که پول حساب‌های جاری جزو پول است، اما حساب‌های مدت‌دار جزو پول محسوب نمی‌شوند. بنابراین، وقتی که نسبت پول به شبه پول بالا می‌رود، بانک‌ها دستشان برای دادن اعتبارات بسته می‌شود. خوب، وقتی کسری بودجه تبدیل به نقدینگی و وحشتناک بشود، اثرات تورمی بیشتری دارد و باعث می‌شود که ارزش پول ملی باز هم پایین بیاید، چنانکه در گزارش اخیر بانک جهانی، پول ملی ما، کم‌ارزش‌ترین پول در دنیاست، یعنی پول تمام کشورهای آفریقایی و حتی پول کشورهای مثل افغانستان، بورکینافاسو و مالدیو، از پول ما قوی‌تر هستند. طبعاً هر چه ارزش پول ما پایین می‌آید، ارزش دلار بیشتر می‌شود.

دکتر جامساز در مورد پیش‌بینی آینده اقتصاد کشور نیز گفت: با کاهش درآمدهای ارزی، درآمدهای ریالی هم کاهش پیدا می‌کنند و در نتیجه، اقتصاد ما در آینده انقباضی‌تر می‌شود، درآمد ملی و اشتغال کاهش پیدا می‌کند و کسر بودجه و به تبع آن، تورم افزایش می‌یابد که همه از آن متأثر می‌شوند، اما هیچ آسیبی به دولت نمی‌رسد، چون دولت بانک مرکزی را در اختیار دارد و مرتب پول چاپ می‌کند و اعوان و انصار و گروه محدود خودی‌ها را تغذیه می‌کند و تنها مردم هستند که روز به روز فقیر و فقیرتر می‌شوند و شاخص فلاکت بالا می‌رود و شاخص فساد ایران که در میان ۱۸۴ کشور، رتبه ۱۵۰ را دارد، باز هم بیشتر می‌شود و این، به معنای فروپاشی بیشتر اقتصاد کشور است. بنابراین، من آینده اقتصاد ایران را بسیار نامطلوب می‌بینم. دولت با این کسری بودجه نمی‌تواند کاری بکند، برای اینکه هیچیک از نهادها و موسسات تبلیغاتی از مصارف خود عقب نمی‌نشینند و بودجه‌شان مرتباً افزایش پیدا می‌کند. الان خط فقر یک خانواده چهارنفره، ۱۸ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان شده است. مگر چند خانواده چهارنفره درآمد ۱۸ میلیون تومانی دارند؟ بنابراین، بدون تردید متأسفانه درصد زیادی از مردم زیر خط فقر هستند.